

آنگاه که سازمان اکثریت «حسینی» شده بود!

قسمت اول

این مقاله را با نقل قول زیر آغاز می کنیم که بر گرفته ایست از نشریه کار اکثریت - شماره ۸۵ آبانماه ۱۳۵۹

«عاشورا ، روز پیکار با ستمگران

پیکار علیه ستمگران مضمون اصلی و همیشه جاری تاریخ بشری است.

عاشورا، روز پیکار حسین و یاران او با ستمگرانی است که برای تحکیم سلطه جابرانه خود شمشیر بر کسانی کشیدند که در برابر جور و ظلم آنان فریاد آزادی و حق طلبی بر کشیدند.

حسین و یارانش در پیکار علیه جباران به خون نشستند اما پیام آنان در تاریخ بر جای ماند.

... و امروز که با نیروهای باطل دوران ، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در پیکاریم ، عاشورای حسینی را بزرگ می داریم و با ایمان به پیروزی خود، سنگرهای دشمنان انقلاب را یکی پس از دیگری درهم می کوبیم».

ما ترجیح می دهیم کلیشه نشریه کار اکثریت را که در این مقاله به آن استناد شده است به ضمیمه منتشر کنیم تا مبدا کسی فکر کند اظهارات فوق مربوط به سخنرانان نماز جمعه ها و یامنبریان و مداحان رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد.

بله ، این نوشته های «گهربار» و صدها و هزاران نمونه دیگر مربوط به دوره ایست که اکثریتی ها در پیشگاه « امام راحل» سر از پانمی شناختند و آنچه «حسینی» شده بودند که نه «سنگرهای دشمنان انقلاب» که خانه های امن نیروهای انقلابی و مبارز را یکی پس از دیگری برای خوش رقصی به رژیم جمهوری اسلامی ایران فتح می کردند. سازمان اکثریت می گوید :

«حسین و یارانش در پیکار علیه جباران به خون نشستند اما پیام آنان در تاریخ بر جای ماند.» و اکنون شوخی روزگار را بنگر که اکثریت یاران و همزمان دیروزش را به خون کشیده است تا کوس رسوایی اش در تاریخ برجای ماند .

بدون شک ، پدیده نوظهور اکثریت و همکاری این جریان ضدانقلابی با رژیم جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که باید با دقت هرچه تمام تر مورد توجه قرار گیرد. شناخت این پدیده کمک خواهد کرد تا نقاب از چهره عوامل مؤثرترین جریان در همکاری با رژیم جمهوری اسلامی ایران گشوده شود و مردم دشمنان خود را بهتر بشناسند.

سازمان اکثریت در خدمت « تعالیم اسلامی »

به تحقیق در هنگامه ای که سازمان اکثریت شمشیر به کف گرفته بود، به هیچیک از نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران امان نداد. توگویی سازمان اکثریت زنگی مستی شده بود که شمشیر برنده اش را نه بر سر هر بی خیال و خراب باده ، که برفرق هر مخالف اسلام و ولایت فقیه فرود می آورد. در آن ایام ، رژیم جمهوری اسلامی ایران بخاطر

سرکوب نیروهای انقلابی و رخنه در سازمانهای مخالف به سازمان اکثریت نیازعاجل داشت. از اینرو نسیمی که از سوی مرتجعین حاکم بر ایران به سوی سازمان اکثریت وزید، با استقبال گرم رهبران اکثریت مواجه شد. آنها با گشودن پنجره ها طراوت اسلامی را فریاد زدند تا از آن پس بالودادن هم‌زمان دیروزشان از سخاوت اسلامی بهره مند گردند. برپستر چنین شرایطی بود که اکثریت در مقابل نسیم مستی آور جمهوری اسلامی ایران هوشیاری خود را از دست داد و به سرعت مرید «امام خمینی» گردید.

سازمان اکثریت پس از انشعاب از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و اعلام موجودیت، در خدمت به رژیم جمهوری اسلامی ایران به هیچ گروه، سازمان، حزب جبهه و یا شخصی که به زعم آنها مخالف این رژیم بودند ترحم نکرد. تشکیلات این سازمان از صدر تا ذیل به خدمت رژیم در آمد که برای نابودی انقلاب و دستاوردهای آن کمر بسته بود. مثال معروف «از تو به یک اشاره از من به سر دویدن»، به حق در مورد سازمان اکثریت و خمینی مصداق پیدا کرد. کافی بود خمینی برای فریب مردم، آنها را به دوری از سیاست تشویق کند و یا برای تحمیق بیشتر، آنان را سرگرم اوهمات مذهبی نماید، آنوقت سازمان اکثریت وظیفه خود می دانست تا «تعالیم اسلامی» خمینی را تبلیغ و ترویج کند. اکثریت هرگونه گردهمایی قداره بندان رژیم جمهوری اسلامی ایران را «آئین مردمی» معرفی می کرد و هراقدام تبهکارانه این رژیم را به بهانه «مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم» توجیه کرد. در نشریه کاراکثریت شماره ۱۲۰ به مناسبت دومین سال برگزاری نماز جمعه در دانشگاه تهران چنین نگاشته شده است:

« نماز جمعه منادی مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و لیبرالیسم. نماز جمعه که از آئین های بسیار قدیمی و سنتی مسلمانان است در جامعه انقلابی و خروشان ما نقش و مضمونی انقلابی به خود گرفته و به سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بدل شده است. در جمعه هر هفته میلیون ها تن از هم وطنان زحمتکش و مسلمان میهنمان در سراسر ایران در این آئین مردمی شرکت کرده و ضمن انجام فریضه دینی به نمایش های سیاسی عظیم علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و متحدان آن می پردازند. در طول ۲ سال گذشته نماز جمعه در ارتقاء آگاهی توده های شرکت کننده در این آئین و نیز بسیج آنان در مقابله با انواع توطئه ها و ترفندهای دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکای جنایتکار نقش عمده ای بازی کرده است.»

به راستی اگر شرکت در نماز جمعه ها در کنار لاجوردیها، حزب الهی ها و سایر آدمکشان رژیم و تکرار عربده های ناهنجار مداحانی نظیر فخرالدین حجازی و گوش کردن به عوام فریبی های خامنه ای، رفسنجانی، امامی کاشانی و... «آئین مردمی» نام دارد، پس آئین های ضد مردمی کدام است؟

اگر نقش عده ای مرتجع، موجب بگیر و مزدور ثابت روزهای جمعه در دانشگاه تهران در «جامعه انقلابی و خروشان ما نقش و مضمونی انقلابی به خود گرفته» چرا اکثریت دلیل ناکامی خود در ائتلاف با این «انقلابیون» را پنهان می کند و باصراحت به مردم ایران نمی گوید که: جناحی از رژیم به اکثریت اعتماد ندارد و نمی گذارد تا این سازمان «ضمن انجام فریضه دینی به نمایش های سیاسی عظیم علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و متحدان آن» ادامه دهد و برای بقاء بیشتر رژیم جمهوری اسلامی ایران جان فشانی کند؟

اکثریت بمثابه عروسک خیمه شب بازی در دست مرتجعین حاکم بر ایران

نزدیک به سی سال است که سازمان اکثریت پس از حزب توده صفت خائن را در مبارزه علیه استبداد و برقراری دموکراسی در کشورمان با خود یدک می کشد. طی این دوره طولانی اکثریت هرگز از راستای خیانت به مردم روی بر نتافته و همچنان بر عقیده خود استوار است.

طی سالهای متمادی هرگاه یک طبقه و یا قشری سخن از مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی ایران بمیان آورد، سازمان اکثریت پیشاپیش حزب الهی ها خزعبلات «امام» رادرجهت سرکوب مخالفین با بانگی رسافرید می زد و هرگز از تکرار آن خسته نمی شد. از آنجاکه اکثریت بطور داوطلبانه خودرا مبلغ و مروج دستگاه نظری جمهوری اسلامی ایران می داند، لذا بطور دائم گوش بزنگ بود تا هرگاه فرمانی از سوی خمینی صادر شود آنها سینه چاک مجری آن اوامر شوند. بطور نمونه هنگامیکه خمینی اشاره ای به انتخاب نخست وزیر داشت و بطور ضمنی نام میرحسین موسوی را بر زبان آورد، اکثریت درنگ را جایز ندانست تا مبادا پیش از آنها، سازمانهای ضدمردمی دیگری نظیر انصار حزب الله گوی سبقت را از آنها برابند. در همین رابطه اکثریت در شماره ۱۳۴ نشریه کار مورخ ۱۳ آبان ۱۳۶۰ می نویسد:

«انتخاب موسوی به نخست وزیری رأی اعتماد به خط امام برای غلبه بر دشواریهاست و ...»، اما عشق اکثریت به خمینی پایان ناپذیر است. اکثریت در نشریه کار شماره ۹۵ خود پس از ستایش های عاشقانه از پیام اول بهمن ماه خمینی با تیتراژ درشت به سبک تبلیغاتی های لاله زار که فقط فریاد می زنند بشتابید که تمام شد، نوشته است «حکومت پابرهنگان جهان حق است متحد شوید، سرود اتحاد، شور مقاومت، امید پیروزی این است سخن اصلی پیام آیت الله خمینی با خلق خویش. حکومت پابرهنگان جهان حق است، این است پیامی که مردم میهن ما و همه ستمدیدگان جهان را به قیام علیه سلطه گران جهان فرامی خواند و شکست حتمی و نهایی امپریالیسم جنایتکار را نوید می دهد.» اکثریت نه فقط خمینی را رهبر مردم ایران بلکه رهبر همه «ستمدیدگان جهان» معرفی می کند و با آب و تاب هرچه تمام تر سخنرانی «امام خمینی» را تعبیر و تفسیر می کند.

اکثریت که از پیام اول بهمن ماه خمینی بیش از حد به وجد آمده بود در ادامه ستایش از خمینی در همان نشریه ادامه می دهد «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) در این شرایط تاریخی که خلق ما می رود که پوزه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به خاک مالند، پیام اول بهمن ماه آیت الله خمینی را پیامی می داند که در پرتو اتحاد، صلح و دوستی میان خلق های میهنمان پیروزی قطعی ما و شکست های تجاوزگران و غارتگران جهانی را نوید می بخشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) دوشادوش همه نیروهای میهن پرست و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، روح پیام اول بهمن ماه امام خمینی را با مصالح خلق و انقلاب منطبق می داند و پشتیبانی قاطع خودرا از مضمون آن اعلام می دارد».

دریک کلام اکثریت در آن دوره نقش جعبه سیاه هواپیما (Black Box) را برای خمینی پیدا کرده بود که هرچه او می گفت، اکثریت بدون هیچگونه تغییری آنها را ضبط می کرد و بلافاصله پخش می کرد. برخلاف جعبه سیاه هواپیما که برای

گشودنش نیاز به متخصص می باشد ، اکثریت بی نیاز از هر تکنیسینی بطور اتوماتیک اظهارات خمینی را تا پیام بعدی وی تکرار می کرد. در تمام سالهایی که سازمان اکثریت «ضمن انجام فریضه دینی به نمایش های سیاسی عظیم علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و متحدان آن» پرداخته بود هرگونه آزادی خواهی و یا مطالبات حتی صنفی کارگران و سایر اقشار اجتماعی توسط اکثریت به سخره گرفته می شد و برای سرکوب آنها اعلام آمادگی می کرد.

اکثریت و طبقه کارگر

اکثریت که هنگام انشعاب از سازمان ظاهرا هنوز خود را طرفدار طبقه کارگر معرفی می کرد، خیلی زود ثابت کرد که ضد این طبقه است. این جریان ابتدا ادبیات کارگری را از نوشتار خود حذف کرد ، سپس بطور علنی از طبقه کارگر دعوت نمود تا به نفع سرمایه داران و رژیم حاکم دست از مبارزه بکشد و بجای اعتصاب به تولید بیشتر روی آورد. در همین رابطه نشریه کاراکثریت شماره ۸۱ بتاريخ ۲۰ مهرماه ۱۳۵۹ از زبان کارگران کارخانه شیشه وگاز می نویسد:

«تحت هیچ شرایطی کارخانه را تعطیل نمی کنیم !

کارخانه شیشه وگاز در تمام مدت ۲۴ ساعت کار می کند، با شروع جنگ تحمیلی ، کارگران در دو شیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در شرایطی که همه هواکش ها و منافذ سالن های کار بخاطر جلوگیری از تابیدن نور باید مسدود باشند ، به کار طاقت فرسای شبانه روزی در فضائی خفه و داغ درکنار کوره ها به کار می پردازند. این واحد صنعتی که در حوالی فرودگاه مهرآباد قرار دارد، موقعیت مکانی اش دستاویزی برای عناصر ضد انقلابی لیبرال (وابستگان به حزب لیبرالی خلق مسلمان) فراهم آورده است تا با تبلیغات سوء و تحریکات ضدانقلابی همچنین مرعوب کردن کارگران از خطر حملات هوائی دشمن ، کارخانه را تعطیل نمایند.»

اکثریت در شرایطی کارگران این کارخانه را به ادامه کار تشویق می کند و کارگران را از «تبلیغات سوء و تحریکات ضدانقلابی» برحذر می دارد که خود معترف است در این کارخانه «کارگران در دو شیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در شرایطی که همه هواکش ها و منافذ سالن های کار بخاطر جلوگیری از تابیدن نور باید مسدود باشند ، به کار طاقت فرسای شبانه روزی در فضائی خفه و داغ درکنار کوره ها به کار می پردازند.»

اکثریت برای اثبات بیشتر سر سپردگی اش به رژیم در همان مقاله ، کارگران را تهدید می کند که دست از کار نکشند اگر نه «با توجه به احتیاج جامعه به کالاهای ضروری تعطیل کارخانه خلاف مصالح مردم و انقلاب است و علاوه برآن بیکاری کارگران را نیز به دنبال خواهد داشت». اکثریت پس از آسمان ریسمان بافتن های بعدی، از قول کارگران ادامه می دهد:

« این فداکاری و تحمل انقلابی سخت ترین شرایط کار بیانگر رشد آگاهی ، هشیاری انقلابی و درک مسئولانه عمیق طبقه کارگر قهرمان ماست . شایسته است که این درک مسئولانه انقلابی ، سرمشق همه کارگران و زحمتکشان میهن ما قرار گیرد.»

آیابراستی هیچگونه فرقی بین نوشته ها ، اندرزها و رهنمودهای روزنامه رسالت و احمد توکلی بعنوان وزیر کار وقت رژیم با کار اکثریت و اظهارات رهبران این سازمان مشاهده می شود؟ از نظر اکثریت ، طبقه کارگر باید در شرایط سخت و

طاقت فرسا تمام ۲۴ ساعت در خدمت بورژوازی قرارگیرد و لب به اعتراض نگشاید، در غیر اینصورت نه فقط بیکار خواهد شد بلکه «خلاف مصالح مردم و انقلاب» نیز گام برداشته است. اینگونه اظهارات فقط می تواند توسط جریان‌های ضد انقلابی، دشمنان طبقاتی طبقه کارگر و استثمارگران برزبان رانده شود و اراجیف اکثریت نه «درک مسئولانه انقلابی» که تبلیغات ضد انقلابی به نفع بورژوازی و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی محسوب می گردد.

تولید بیشتر به نفع کارگر است یا سرمایه دار؟

سازمان اکثریت که بخوبی آگاهی دارد از تولید بیشتر در کارخانه چه کسانی بهره مند خواهند شد، در آن دوره چندین شعار مردم فریب و ضد کارگری نیز سر می داد. یکی از شعارهایی که در صفحه اول نشریه کار اکثریت به نفع سرمایه داران به چاپ می رسید چنین بود «اخلال در تولید، سلاح سرمایه دار، علیه انقلاب است».

آیا اکثریت هیچ سرمایه داری را سراغ دارد که در تولید اخلال کرده باشد؟ کدام سرمایه دار عاقلی حاضر است چرخ کارخانه اش را از کار بازدارد، به کارگزارانش حقوق پرداخت کند و به آنها بگوید در تولید اخلال کنید؟! از اکثریت جز این هم توقعی نیست، چراکه به گفته خودشان آنها بطور منظم در جلسات جهاد سازندگی مشارکت می کردند و از آنها درس‌هایی آموخته اند.

نشریه کار شماره ۸۳ اکثریت در این خصوص چنین نوشته است «دیروز، در جهاد سازندگی شرکت کردیم، امروز، با سربلندی آنچه را که آموختیم در صفوف مقاومت زحمتکشان بکار می گیریم. برای دفاع از انقلاب، برای تحکیم انقلاب، برای تداوم انقلاب باید که در صف بسیج، همراه با سپاه، در میان زحمتکشان سرود سرخ مقاومت بر لب، دشمن متجاوز را تا آنسوی خلیج تاراند». بیچاره اکثریت که مورد بی مهری «امام خمینی» حق ناشناس قرار گرفت و آنها را تا آنسوی قاره اروپا و آمریکا «تارانده»، ولی اکثریت هنوز دست از مقاومت بر نمی دارد؟! با وجودیکه سالهاست رژیم جمهوری اسلامی ایران به خوش رقصی سازمان اکثریت پایان داده، اما هنوز که هنوز است این جریان ضدانقلابی دنبال بسیج و سپاه و جاریان و بهزاد نبوی و امثالهم پرسه می زند تا شاید رخصت یابد باردیگر «باسربلندی آنچه را که دیروز در جهاد آموخته ... همراه با سپاه» بر ضد نیروهای انقلابی بکار گیرد. بیهوده نیست که این روزها شاهدیم رهبران اکثریت «سرودسرخ مقاومت بر لب» تلاش دارند از طریق تلویزیون بی بی سی ارادت و مراتب چاکری خود را به گوش «امام» خامنه ای، آیت الله جنتی و حسین شریعتمداری برسانند.

اکثریت و زحمتکشان

سرتاسر نشریات اکثریت مملو از مقالات و شعارهایی است که زحمتکشان و روستائیان را به تمکین از رژیم جمهوری اسلامی ایران و همکاری با سپاه پاسداران ترغیب می کنند. در حقیقت اکثریت این خط را به زحمتکشان می دهد که اگر خوشبختی خود و فرزندان را مد نظر دارید از سپاه پاسداران دفاع کنید و حقوق و مطالبات طبقاتی خود را فراموش نمائید. اکثریت هرگونه حرکت توده ای و مخالفت روستائیان و زحمتکشان ایران را به حساب توطئه «ضدانقلاب و ایادی امپریالیسم» می گذارد و با تردستی هایی که در کلاسهای بسیج آموخته فوری «عوامل و ایادی» امپریالیسم را از آستین

خود بیرون می کشد.

در این مورد اکثریت در اعلامیه ۱۰ تیرماه ۱۳۵۹ خطاب به روستائیان و زحمتکشان کردند غرب اعلام آمادگی کرده تا برای دفاع از آنان در مقابل «باند های ضدانقلابی» فداکاری نشان دهد. آنها دلایل جان فشانی خود را این طور توضیح داده اند «به منظور متلاشی ساختن باند ضدانقلابی بختیار - پالیزبان و خنثی نمودن توطئه های آنان که اینک با تهاجماتی چون گروگان گیری ، خرمن سوزی ، غارت اموال و احشام روستائیان زحمتکش و کشتار آنان و با ایجاد ناامنی باعث وحشت و ارباب زحمتکشان منطقه شده اند،...» نیروهای اکثریت درحالت آماده باش بسر می برند. و در ادامه از کلیه زحمتکشان و افراد خود می خواهند که موارد زیر را در دستور کار خود قرار دهند.

« ۱ - با بوجود آوردن دستجات منظم به سپاه پاسداران مراجعه نموده و آمادگی خود را برای سرکوب ضدانقلابیون اعلام نمایند.

۲ - با تکمیل گروه های امداد در نقل و انتقال شهدا و زخمیان و مداوای آنان تمام توان انقلابی خود را بکارگیرند.

۳ - ارتباط ها و رفت و آمدهای مشکوک جاشها و پایگاه های داخلی باند ضدانقلابی بختیار - پالیزبان را دقیقاً کنترل نمایند.

۴- باتمام نیرو توطئه های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکای جهانخوار و پایگاه های داخلی شان را برای زحمتکشان کردند و حومه افشاء نمایند.

۵- ضرورت همکاری مردم با سپاه پاسداران را با تمام انرژی انقلابی خود برای زحمتکشان توضیح دهید.

۶- لازم است هواداران در اجرای تمام موارد فوق با خط و مرز مشخص سازمان حرکت نمایند.»

برطبق نسخه بالا ، اکثریت تکلیف زحمتکشان را هم روشن کرده است ، یاروستائیان و زحمتکشان به همکاری با سپاه پاسداران و طرفداری از خمینی و ایادی اش تن در می دهند و یا اینکه با «خط و مرز مشخص سازمان» اکثریت روبرو خواهند شد. معنای «موارد فوق» که در بند ۶ رهنمود اکثریت گنجانده شده کاملاً روشن است . در صورت عدم اجرای آن «موارد» بخصوص بند ۵ که بر «ضرورت همکاری مردم با سپاه پاسداران» تأکید دارد ، از نظر اکثریت ، زحمتکشان هم «خلاف مصالح مردم و انقلاب» عمل کرده اند ، همانطور که طبقه کارگر را نیز به بیکاری و عواقب دیگر تهدید کرده اند.

در نوشته های اکثریت هرچا سخنی از زمینداران ، صاحبان کارخانه ها و یا خوانین برده شده است، بلافاصله آنها را به امپریالیسم وعوامل ضدانقلاب مربوط ساخته اند، درحالیکه این یک ترفندی بیش نیست. در واقعیت امر اکثریت با هیچ زمیندار ، سرمایه دار و یا خانی که طرفدار رژیم جمهوری اسلامی ایران و موافق نظام سرمایه داری است مخالفتی ندارد. از دید اکثریت ، سرمایه داران و زمینداران مجازند هرطور که منافعشان ایجاب می کند روستائیان و زحمتکشان را در انقیاد خود نگهدارند . به زعم اکثریت کلیه مدافعین رژیم جمهوری اسلامی ایران «ضد امپریالیست» و شرکت کنندگان در نماز جمعه ها از هرطبقه ای که باشند «نقش و مضمونی انقلابی به خود گرفته» اند و صدالبته سازمان اکثریت با آنها خویشاوندی طبقاتی دارد.

براستی کیست که نداند برپا کنندگان نماز جمعه ها ، آمران و سرکوبگران خلق های سراسر ایران همان سرمایه

داران و زمینداران بزرگ می باشند؟ آیا رهبران حزب مؤتلفه اسلامی، آیت الله موسوی تبریزی، سعید حجاریان، بهزادنبوی، ری شهری و صدها تن دیگر از رهبران رژیم که اکثریت هنوز منتظر چراغ سبز آنهاست تا یکباردیگر برایشان «سرود سرخ مقاومت» سردهد، جملگی در زمره سرمایه داران و زمینداران بزرگ ایران نیستند؟

اکثریت و زنان

هنگامیکه زنان مبارز ایران بر علیه حجاب اجباری و زیر پا گذاشتن حقوق انسانی خود دست به تظاهرات زدند، اکثریت نتوانست حرکت دمکراتیک آنان را تحمل کند و راهپیمائی مسالمت آمیز آنها را نادیده بگیرد. اکثریت مأمور بود و معذورا! از نظر اکثریت یا زنان ایران بایستی با همان حقوق نصف مردان که جمهوری اسلامی به آنها «عطاء» کرده کنار آیند و یا آنها هم به جبهه «سرمایه داران و لیبرالها و ایادی ضدانقلاب» تعلق دارند و مورد حمایت امپریالیسم آمریکا می باشند. برای اینکه بی مدرک سخن نگفته باشیم به این اعلامیه اکثریت در کار شماره ۶۶ توجه کنید.

«حقوق زن و حجاب اسلامی

طرح مسئله حجاب و مجبور ساختن زنان به استفاده از حجاب اسلامی آنهم در شرایطی که جبهه سرمایه داران لیبرال با حمایت فعال امپریالیسم آمریکا تلاش دارد همه دستاوردهای انقلاب را بر باد داده و جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران را با شکست روبرو سازد، عملاً وحدت مردم را بیش از پیش دچار مخاطره ساخته است و بیشتر از هرزمانی آب به آسیاب امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن ریخته است.

ما از همه زنان و مردان آگاه و مبارز ایران مصرا می خواهیم که با فعالیتهای پیگیر، آگاهانه میان مردم اجازه ندهند، جبهه سرمایه داران وابسته و ایادی امپریالیسم آمریکا، به سود خود از طرح اجباری کردن حجاب اسلامی بهره برداری کنند».

اینهم سهم زنان! اکثریت آشکارا زنان ایران را در مقابل ارتجاع حاکم به سکوت دعوت می کند و از آنها می خواهد: اگر مایل نیستید «جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران» با شکست مواجه شود، گوش به حرف اکثریت بدهید که «مصرا» تقاضا دارد تمام مردم در برابر رژیم جمهوری اسلامی ایران سر تعظیم فرود آورند، بجای تظاهرات و بهانه جویی «عاشورای حسینی را» گرامی بدارند، به تشنه کامان اکثریت به پیوندند تا در خدمت به یکی از تبهکارترین رژیمهای دیکتاتوری معاصر «سنگرهای دشمنان انقلاب را یکی پس از دیگری» درهم کوبند.

اکثریت هیچ شرمی بخود راه نمی دهد که با بوق و کرنا آب به آسیاب ارتجاع اسلامی بریزد و در همان حال حرکت دمکراتیک زنان ایران را به سود «جبهه سرمایه داران وابسته و ایادی امپریالیسم آمریکا» ارزیابی کند.

اکثریت و جنبش مقاومت خلق کرد

هنگامیکه سازمان اکثریت بطور دربست خود را در اختیار رژیم جمهوری اسلامی ایران قرارداد، بلافاصله کلیه سلاحهای سازمان را که قبل و بعد از قیام با فداکاریهای رفقای سازمان تهیه شده بود به مرتجعین حاکم تحویل داد. از آن پس نقش اکثریت در کردستان جز فتنه انگیزی چیز دیگری نبود و وظایف «جاش» را برای سپاه پاسداران عهده دار شد.

اکثریت در نشریه کار شماره ۸۳ نوشته است «با گسترش تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام به میهن و انقلاب مردم ما و به میزانی که صفوف انقلاب با ضد انقلاب متمایزتر می گردد، مدعیان دفاع از خلق کرد بجای مشارکت فعال در پیکار عظیم خلقهای میهن ما علیه امپریالیسم و تجاوزگران ، به انحطاط و تباهی بیشتری کشیده می شوند. علیرغم مبارزان هوپیمایهای عراقی به شهرها و روستاهای کردستان ، حزب دمکرات ، کومله و شرکاء حملات خود را به ستون سربازان جمهوری اسلامی ایران افزایش داده اند.»

اکثریت پس از مرثیه خوانی های بیشتر و جانبداری از گسترش بدون قید و شرط سرکوب خلق کرد ادامه می دهد «اکنون در کردستان در کنار حزب دمکرات جز مثنی گروه های آبرویخته و ورشکسته باقی نمانده اند. توطئه های مداوم امپریالیسم علیه انقلاب و گسترش تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران ماهیت ورشکسته ذهنیات این گروه هارا بیش از پیش عیان ساخته و در کردستان برایشان راهی جز دنباله روی و همگامی و اتحاد عمل با حزب دمکرات برجای نگذاشته است.»

اکثریت که پس از تسلیم شدن به رژیم جمهوری اسلامی ایران فقط به مدت کمی توانست در پناه سپاه پاسداران در شهربوکان رفت و آمد کند ، سرانجام قیاده موقت را که یک جریان ضد انقلابی و آلت دست رژیم جمهوری اسلامی ایران بود بعنوان متحد خود انتخاب کرد. در همین رابطه نشریه کار اکثریت شماره ۸۸ چنین نگاشته شده است «دارودسته قاسملواخیرا تبلیغات شدیدی علیه قیاده موقت در منطقه به راه انداخته اند. این تبلیغات بدون شک هدایت شده از جانب رژیم صدام است تا زمینه سرکوب آنها را توسط افراد قاسملو در منطقه فراهم آورد. نیروهای قیاده هم اکنون در مناطق بین اربیل و کرکوک و موصل و چند نقطه مرزی در گیر جنگ با رژیم صدام می باشند.»

ضروری است اشاره کنیم هنگامیکه اکثریت دست در دست سپاه پاسداران علیه خلق کرد می جنگید مبتکر طرحی شد که در صورت عملی شدن آن ضربه بسیار مهلک و جبران ناپذیری به خلق کرد وارد می شد. طرح اکثریت و سپاه از این قرار بود که : نیروهای اکثریت ، سپاه پاسداران ، حزب توده ، نیروهای غنی بلوریان و قیاده موقت تصمیم داشتند شبانه بصورت غافلگیرکننده به مرکز فرماندهی حزب دمکرات کردستان ایران حمله کنند و تمام رهبری حزب دمکرات و سایر جریانات همجواریا حزب را قتل عام کنند. هنگامیکه آنها عازم اجرای این طرح بودند یکی از افراد نیروهای مقاومت کردستان پی به نقشه آنها برد و حزب دمکرات را از این امر آگاه ساخت . لذا طرح جنایتکارانه اکثریت و سپاه پاسداران عقیم ماند.

ادامه دارد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de

عاشورا ، روز پیکار با ستمگران

پیکار علیه ستمگران مضمون اصلی و همیشه جاری تاریخ بشری است .

عاشورا ، روز پیکار حسین و یاران او با ستمگرانی است که برای تحکیم سلطه چابراکه خود شمشیر بر گمانگسی کشیدند که در برابر جود و ظلم آنان فریاد آزادی و حق طلبی برکشیدند .

حسین و یارانش در پیکار علیه جباران ، به خون نشستند اما پیام آنان در تاریخ برجای ماند .

... و امروز که با نیروهای باطلی دوران ، امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا در پیگاریم ، عاشورای حسینی را بزرگ می‌داریم و با ایمان به پیروزی خود ، ستمگرهای دشمنان انقلاب را یکی پس از دیگری درهم می‌کوبیم .